



The Educational Approaches of the Prophet (PBUH) in the Transition from the Age of Ignorance (Jahiliyyah) to Islam, Based on the Holy Qur'an

Zeynab Tehrani Moghaddam¹ | Mohammad NabiZadeh Babaki² | Ali Mahdavi Rad³

DOR: 20.1001.1.22516972.1404.33.68.6.0

Abstract

The profound social, cultural, and ideological transformation accomplished by the Prophet of Islam (PBUH) during the Age of Ignorance (Jahiliyyah) stands as one of the most remarkable models of educational reform and spiritual guidance in human history. This article aims to examine the educational and guiding strategies employed by the Noble Prophet (PBUH) in transitioning pre-Islamic Jahili society toward a religious, ethical, and justice-oriented civilization. Pre-Islamic society was characterized by polytheism, violence, tribal discrimination, and structural ignorance, creating a complex and resistant environment for change. Nevertheless, the Prophet (PBUH) successfully transformed the intellectual, cultural, and social fabric of society through methods such as gradual invitation (da'wah), wisdom and gentle exhortation (hikmah wa maw'izah hasanah), personal exemplification, and a consistent emphasis on monotheism (tawhid) and moral values. Employing a descriptive-analytical approach and drawing primarily on Qur'anic verses and authenticated narrations (hadith), this study investigates the multifaceted dimensions of these strategies and their role in shaping the Islamic ummah. The findings indicate that the Prophet's educational and guiding methods were not only effective within their specific historical context but also offer enduring, adaptable models for contemporary educational systems.

Keywords: Jahiliyyah, Pre-Islamic society, Islamic guidance, Islamic education, the Noble Prophet (PBUH)

Research Paper

Received:
26 May 2025

Revised:
01 June 2025

Accepted:
01 June 2025

Published:
23 September 2025

P.P: 145-162

ISSN: 2251-6972
E- ISSN: 2645-5196



1. M.A. Graduate in Qur'anic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Zeynabtheranimoghaddam@gmail.com

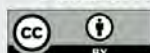
2. Faculty of Cultural, Social, and Soft Power Studies, Imam Hossein Comprehensive University, Tehran, Iran.

3. Professor, Department of Islamic Theology and Doctrines, Faculty of Theology, University of Tehran, Tehran, Iran.

Cite this Paper: Tehrani Moghaddam'S & NabiZadeh Babaki'M, Mahdavi Rad'A.(2025). The Educational Approaches of the Prophet (PBUH) in the Transition from the Age of Ignorance (Jahiliyyah) to Islam, Based on the Holy Qur'an. Journal of The Research in Islamic Education Issues, 33(67), 143–162.

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



مناهج النبي (صلى الله عليه وسلم) التربوية في الانتقال من الجاهلية إلى الإسلام في ضوء القرآن الكريم

زينب طهراني مقدم^١ | محمد نبي زاده بابكي^٢ | علي مهدي راد^٣

الْمُلَخَّص

ويعد التحول الاجتماعي والثقافي والديني الكبير الذي أحدثته نبي الإسلام (صلى الله عليه وسلم) في عصر الجاهلية من أبرز نماذج الإصلاح والتوجيه التربوي في تاريخ البشرية. تهدف هذه المقالة إلى دراسة الاستراتيجيات والأساليب التربوية والتوجيهية التي اتبعها الرسول الكريم صلى الله عليه وسلم في عملية انتقال المجتمع الجاهلي إلى حضارة دينية وأخلاقية وعادلة. كان المجتمع الجاهل، بخصائصه مثل تعدد الآلهة، والعنف، والتمييز القبلي، والجهل النبوي، بيئة معقدة ومقاومة للتغيير. واستطاع النبي صلى الله عليه وسلم أن يغير البنية الفكرية والثقافية والاجتماعية للمجتمع من خلال استخدام أساليب مثل الدعوة التدريجية، واستخدام الحكمة والموعظة الحسنة، والقُدوة الحسنة، والتركيز على التوحيد والقيم الأخلاقية. وفي هذه المقالة، وباستخدام المنهج الوصفي التحليلي، وبالاعتماد على المصادر القرآنية والرواية، يتم تحليل الأبعاد المختلفة لهذه الاستراتيجيات ودراسة دورها في تشكيل الأمة الإسلامية. وتشير نتائج هذا البحث إلى أن الأساليب التربوية والتوجيهية التي اتبعها النبي صلى الله عليه وسلم لم تكن مثمرة في فترتها التاريخية المحددة فحسب، بل إنها تمتلك القدرة على أن تكون نموذجاً للأنظمة التربوية المعاصرة.

الكلمات الرئيسية: الجهل، المجتمع الجاهلي، التوجيه الإسلامي، التربية الإسلامية، النبي محمد (صلى الله عليه وسلم).

١. ماجستير في علوم القرآن والحديث، كلية الإلهيات والدراسات الإسلامية، جامعة آزاد الإسلامية، فرع شمال طهران، طهران، إيران. Zeynabtheranimoghaddam@gmail.com
٢. المؤلف المسؤول: كلية الثقافة الاجتماعية وإنتاج القوة الناعمة، جامعة الإمام الحسين (ع)، طهران، إيران.
٣. أستاذ، قسم التربية، كلية الإلهيات، جامعة طهران، طهران، إيران.

الاستشهاد: طهراني مقدم، زينب؛ نبي زاده بابكي، محمد؛ مهدي راد، محمد. (١٤٤٧). مناهج النبي (صلى الله عليه وسلم) التربوية في الانتقال من الجاهلية إلى الإسلام في ضوء القرآن الكريم، مجلة العمى البحث في قضايا التربية الاسلامية، ١٦٢-١٤٣.

DOR:20.1001.1.22516972.1404.33.68.4.8



© المؤلفون

الناشر: جامعة الإمام الحسين (ع)

المؤلفون هذه المقالة متاحة لك بموجب رخصة المشاع الإبداعي (CC BY).



رویکردهای تربیتی پیامبر (ص) در گذر از جاهلیت به اسلام مبتنی بر قرآن کریم

زینب طهرانی مقدم^۱ | محمد نبی زاده بابکی^۲ | علی مهدوی راد^۳

چکیده

تحول عظیم اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی که پیامبر اسلام (ص) در عصر جاهلیت به انجام رساند، یکی از برجسته‌ترین الگوهای اصلاح تربیتی و هدایتی در تاریخ بشریت به شمار می‌آید. این مقاله با هدف بررسی راهبردها و رویکردهای تربیتی و هدایتی پیامبر اکرم (ص) در فرآیند گذار جامعه جاهلی پیش از اسلام به تمدنی دینی، اخلاقی و عدالت‌محور تدوین شده است. جامعه جاهلی با ویژگی‌هایی چون شرک، خشونت، تبعیض قبیله‌ای و جهل ساختاری، بستری پیچیده و مقاوم در برابر تحول بود. پیامبر با بهره‌گیری از روش‌هایی چون دعوت تدریجی، استفاده از حکمت و موعظه حسنه، الگوسازی شخصیتی، و تأکید بر توحید و ارزش‌های اخلاقی، توانست ساختار فکری، فرهنگی و اجتماعی جامعه را دگرگون سازد. در این مقاله، با رویکرد تحلیلی - توصیفی و با تکیه بر منابع قرآنی و روایی، ابعاد مختلف این راهبردها واکاوی شده و نقش آن‌ها در شکل‌گیری امت اسلامی بررسی می‌شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شیوه‌های تربیتی و هدایتی پیامبر، نه تنها در برهه تاریخی خاص خود ثمربخش بوده، بلکه قابلیت الگوبرداری برای نظام‌های تربیتی معاصر را نیز داراست.

کلیدواژه‌ها: جاهلیت، جامعه جاهلی، هدایت اسلامی، تربیت اسلامی، پیامبر اکرم (ص).

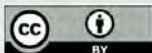
۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Zeynabtheranimoghaddam@gmail.com
۲. دانشکده فرهنگی اجتماعی و تولید قدرت نرم، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.
۳. استاد، گروه معارف، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

استناد: طهرانی مقدم، زینب؛ نبی زاده بابکی، محمد؛ مهدوی راد، محمد. (۱۴۰۴). رویکردهای تربیتی پیامبر (ص) در گذر از جاهلیت به اسلام مبتنی بر قرآن کریم؛ پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۶۲-۱۴۳.

DOR: 20.1001.1.22516972.1404.33.68.6.0

© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License - CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

تحول جوامع انسانی از شرایط نابسامان فکری، اخلاقی و اجتماعی به سوی نظام‌های پیشرفته و مبتنی بر ارزش‌های متعالی، همواره نیازمند رهبری خردمندان و راهبردهای تربیتی عمیق و پایدار بوده است. در این میان، بعثت پیامبر اسلام حضرت محمد مصطفی (ص) نقطه عطفی در تاریخ تمدن انسانی به شمار می‌رود؛ چراکه ایشان با اتکا بر وحی الهی و با بهره‌گیری از شیوه‌هایی حکیمانه، توانست جامعه‌ای فرو رفته در جهل، خشونت، تبعیض و شرک را در مدتی کوتاه به الگویی جهانی از عدالت، ایمان و اخلاق تبدیل کند.

جامعه‌ی جاهلی پیش از اسلام، با ساختار قبیله‌ای، سلطه خرافات، فقر فرهنگی و فقدان بنیان‌های اخلاقی، نه تنها مستعد اصلاح نبود، بلکه در برابر هرگونه تغییر مقاوم نیز بود. با این حال، پیامبر اکرم (ص) بدون تکیه بر ابزارهای قدرت و اجبار، و صرفاً با تأکید بر آموزه‌های توحیدی، گفت‌وگوی عالمانه، سلوک فردی الگو، و برنامه‌ریزی تربیتی بلندمدت، مسیر هدایت امت را هموار ساخت. چنین تحول بی‌سابقه‌ای، نشانگر عمق و کارآمدی رویکردهای تربیتی و هدایتی ایشان است.

پیامبر اکرم (ص) در جامعه‌ای به پیامبری مبعوث شد که زن در آن از کمترین حقوق و احترام انسانی برخوردار بود. عرب برای زن استقلال، حرمت و شرافتی در زندگی قائل نبود. برای آنها تنها قبیله و خاندان مهم بود. زن در عرب ارث نمی‌برد، در مساله طلاق برای زن اختیاری قائل نبود و دختران را زنده به گور می‌کرد و تعدد زوجات، بدون حدی معین، جایز بود. پدر دختر از شنیدن خبر ولادت دخترش خود را از مردم پنهان می‌کرد و بر عکس هر چه بیشتر دارای پسر می‌شد؛ هر چند پسر خوانده، خوشحال‌تر می‌گردید (طباطبایی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۴۰۲) در چنین شرایطی و در میان جاهلیت فکری مردم عربستان پیامبر مبعوث شد تا با تبیین آموزه‌های اسلامی به اصلاح و هدایت مردم به سمت زندگی مطلوب با روابطی شایسته اقدام کند و خط بطلانی بر رسومات حاکم بر جامعه عرب بکشد.

بنابراین تربیت و هدایت انسان‌ها همواره یکی از چالش‌برانگیزترین و در عین حال بنیادین‌ترین دغدغه‌های پیامبران الهی بوده است. در این میان، یکی از مهم‌ترین نمونه‌های تاریخی که توانسته

الگویی موفق از تحول بنیادین یک جامعه عقب‌مانده و گرفتار در جهل، خشونت و فروپاشی اخلاقی ارائه دهد، تجربه پیامبر اسلام (ص) در گذر از جامعه جاهلی به جامعه‌ای مؤمن، اخلاق‌مدار و تمدن‌ساز است. جامعه‌ی عرب پیش از اسلام، با ویژگی‌هایی چون نظام قبیله‌ای متعصب، جایگاه متزلزل زنان، رواج بت‌پرستی، جنگ‌طلبی، فاصله طبقاتی، و نبود نظام حقوقی منسجم، بستری به شدت دشوار برای تغییر فرهنگی و تربیتی محسوب می‌شد.

با این وجود، پیامبر اکرم (ص) با بهره‌گیری از راهبردهایی متنوع و هوشمندانه - اعم از دعوت تدریجی، تربیت مبتنی بر توحید، الگوسازی عملی، صبر و مدارا، و اتکا بر وحی قرآنی - توانست در مدت کوتاهی ساختار فکری، اخلاقی و اجتماعی مردم آن عصر را دگرگون سازد. این تجربه موفق، نه تنها در بُعد تاریخی حائز اهمیت است، بلکه در تحلیل‌های تربیتی و راهبردی امروز نیز می‌تواند راه‌گشا و الهام‌بخش باشد؛ به‌ویژه در عصری که جوامع با چالش‌های نوینی همچون بحران هویت، افول اخلاق، و فروپاشی ارتباطات انسانی مواجه‌اند.

مسئله اساسی این پژوهش آن است که پیامبر اسلام (ص) با چه رویکردها و روش‌هایی توانست جامعه‌ای فرو رفته در جاهلیت را به سوی هدایت، عدالت و اخلاق رهنمون سازد؟ پاسخ به این پرسش، نه تنها به درک عمیق‌تری از روش‌های اصلاح اجتماعی در تاریخ اسلام منجر می‌شود، بلکه می‌تواند الگویی برای بازآفرینی رویکردهای تربیتی معاصر در جوامع اسلامی باشد.

مبانی نظری

مفهوم تربیت

تربیت از ریشه «رَبَّبَ» به معنای ایجاد کردن یک شیء به صورت تدریجی است تا به حد کمال و نهایتش برسد (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ ق، ۳۳۶) یا از ریشه «رَبَّوْا» به معنای زیاد شدن، رشد، علو است. (ابن فارس، ۱۳۸۷: ۴۸۳) تربیت فراهم کردن زمینه‌هایی برای رشد استعدادها، یک موجود است تا از این استعدادها برای رسیدن به کمال خودش بهره‌گیرد. به عبارت دیگر تربیت، فرایندی تعالی‌جویانه، تعاملی، تدریجی و مبتنی بر نظام معیار اسلامی که به منظور هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای تحقق مراتب حیات طیبه، زمینه‌های مناسب تعالی پیوسته هویت ایشان را در راستای شکل‌گیری جامعه صالح اسلامی فراهم می‌آورد (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش،

۱۳۹۰: ۱۰). بنابراین تعلیم و تربیت از سیاست های بنیادین اسلام و از اهداف زیربنایی بعثت رسول خدا(صلی الله علیه و آله) است.

مفهوم جهل

«جهل» در لغت عرب، در برابر «علم» قرار دارد و به معنای نادانی، ناآگاهی، غفلت و بی‌خردی آمده است. راغب اصفهانی در مفردات الفاظ قرآن، «جهل» را این گونه تعریف می‌کند: «الْجَهْلُ نَقِيضُ الْعِلْمِ، وَيُسْتَعْمَلُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ: أَحَدُهَا: عَدَمُ الْعِلْمِ، وَالثَّانِي: اغْتِنَاقُ الشَّيْءِ عَلَى خِلَافِ مَا هُوَ عَلَيْهِ، وَالثَّلَاثُ: فِعْلُ الشَّيْءِ عَلَى خِلَافِ مَا يَنْبَغِي» (راغب اصفهانی، مفردات، ماده «جهل»)

یعنی جهل گاه به معنای نداشتن علم است، گاه به معنای باور غلط، و گاه به معنای رفتار برخلاف عقل و حکمت. در این معنا، «جهل» فقط به نادانی ساده محدود نمی‌شود، بلکه نوعی انحراف در بینش و عمل است.

در ادبیات قرآنی و دینی، «جهل» معنایی گسترده‌تر و عمیق‌تر از ناآگاهی ذهنی دارد. جهل در قرآن اغلب به عنوان یک وضعیت فکری، فرهنگی و اخلاقی معیوب معرفی می‌شود که نتیجه آن، تصمیمات نابخردانه، رفتارهای خشونت‌آمیز، شرک، فساد اجتماعی و دوری از هدایت الهی است. در حدیثی رسول اکرم (ص) به حضرت علی (ع) می‌فرماید: «لَا فَفَرَأَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۵۸) زیرا در اثر جهل در بافت شخصیتی و روان‌شناختی انسان، افراط و تفریط رسوخ شده و تعادل روحی و روانی آن را دگرگون می‌سازد و او را از بر خورداری سعادت و کمال محروم می‌سازد. و جهل آن «یا جهل بسیط است که همان طرف کندروی از فضیلت و به کودنی موسوم است. و یا جهل مرکب است که همان طرف تندروی است». (ابن میثم، ۱۳۷۵: ۴۶۴)

حضرت علی (ع) در ارتباط با شناخت روان‌شناختی جاهلان می‌فرماید: «لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُفْرَطًا» (نهج البلاغه، حکمت ۷۰) شخص نادان جز در یکی از دو حالت تندروی و یا کندروی مشاهده نمی‌شود.

معنا شناسی جهل در قرآن

۱- جحد و انکار آگاهانه: قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزَنُنَاكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأُوذُوا حَتَّىٰ أَنتَاهُم

نَصْرُنَا وَلَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبِيِّ الْمُرْسَلِينَ وَإِنْ كَانَ كَبِيرَ عَلَيْكَ إِغْرَاضُهُمْ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَى فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ (انعام، ۳۳-۳۵)

۲- بی ایمانی و کفر: وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ يَجْهَلُونَ (انعام، ۱۱۱)

۳- شرک: قُلْ أَغْيَرَ اللَّهُ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ وَلَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (زمر، ۶۴-۶۵)

و اوصاف و ردائل اخلاقی پست؛

۴- شهوت و زنا: قَالَ رَبِّ السَّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ (یوسف، ۳۳)

۵- فاحشه: وَلَوْ طَافَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ أَلَيْسَ لَكُمُ الرَّجَالُ شَهْوَةٌ مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (نمل، ۵۴-۵۵)

۶- سخنان بیهوده و لغو: وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا تَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ (قصص، ۵۵) در ارتباط همنشینی می باشد.

از مجموع این آیات، در یک ارتباط جایگزینی این گونه استنباط می شود که جهالت وصف کسی است که به آسانی دستخوش هواهای نفسانی خویش شده و بی پروا توفان شهوت، او را به جانب افراط و تفریط می کشاند و این اثر «نادانی» و «ندانستن» نیست بلکه ناشی از انکار آگاهانه‌ی حق بوده به گونه‌ای که متکبرانه از ایمان به خدا سرباز می زند و به رفتار لغو و شرک آلود خو گرفته و دیگران را به این اعمال شرک آلود و پست دعوت می کند و این چنین خوی لجاجت و عناد و تمایلات مشرکانه در آنان در مقابل پذیرش حق ایجاد می شود.

بنابراین در مقوله معنایی جهل، «جهالت مقابل عقل است؛ نه علم، نبود عقل عملی را جهل می گویند، چون جهل امری وجودی نیست بلکه سلبی است» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۳۵۳) و مفهوم اصلی آن «طبع سرکشی و تند که با کوچکترین انگیزه و تحریکی طغیان می کند و آدمی را به هر نوع عمل جسارت آمیز و گستاخانه‌ای وا می دارد، ... و این احساسات به نحوی خاص در احساس غرور آمیز شرف و فخر [طلبی انسان] تجلی می یابد ... و راجع به دشمنانگی و تعرض به عقیده

توحیدی اسلام ... [می باشد]. (ایزوتسو، ۱۳۸۸: ص ۷۰-۷۱) این برداشت بر اساس آیه زیر تأیید می گردد؛ وَرَاوَدْتُهُ الْآبِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَن نَّفْسِهِ وَعَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (یوسف، ۲۳)

طبع سرکش مقام و ارزش جاهلان را به پائین ترین درجات حیوانی تنزل داده و قرآن از آنان به «شر الدواب» (انفال، ۲۲) و «انعام» (فرقان، ۴۴) یاد کرده و می کند؛ زیرا اینان امتیاز اصلی و اساسی خود و فصل میان خود و حیوانات را از دست می دهند و با از بین رفتن توانایی تشخیص حق از باطل و عدم کسب دانش و کشف حقائق، مدارج ترقی و کمال بر او بسته می شود و هیچ صعودی در مراتب سلسله طولی تربیتی آنان صورت نمی پذیرد و هیچ اندازی از انذارهای سهمگین الهی آنان را متأثر نمی سازد.

۷- نیاکان گروهی جاهلی و تقلید کورکورانه: یکی دیگر از نتایج شوم جهالت و رذیله اخلاقی ناشی از آن «نیاکان گروهی جاهلی و تقلید کورکورانه» می باشد. زیرا خاموش شدن چراغ عقل در درون انسان، زنگ خطر است که راه دریافت حقیقت را بر او می بندد و یک شکل از استدلال در تمامی امور در باور و تصور اندیشه ای او حکمفرما می سازد. این شکل تنها به تقدس و حرمت بخشی به آداب و رسوم موروثی بازمانده از نیاکان و حسن نژادپرستانه می پردازد و آن را معیار و ملاک ارزش و حقیقت می نمایاند. «صرف اعتقاد نیاکان به یک مطلب، دلیل بر درستی آن نیست، بلکه ملاک صحت و درستی هر چیز، معقول و مشروع بودن آن است، چیزی که عقل انسان را به آن هدایت می کند، و حملات «لا یعقلون» و «لا یهدون» اشاره به همین مطلب است». (مکارم، ۱۳۹۱: ۶۶)

در دستگاه معناشناسی شناختی قرآن تقلید کور کورانه و تعصب ناشی از آن، برآیند جهل و صفت عام امت های پیش از اسلام (زخرف، ۲۳-۲۴) و باعث خاموشی چراغ عقل و منطق در درون جان آدمی می شود و زمینه تعبد و بندگی را از انسان سلب می کند و مانع اصلی در راه پذیرش براهین قاطع پیامبران که مطابق با فطرت الهی انسان است، می باشد؛ أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلْنَا خُلَفَاءَ مِن بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَرَادُّكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً فَادْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ قَالُوا أَجِئْنَا لِنُعْبَدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (اعراف، ۶۹-۷۰)

این شیوه نیز نمونه بارزی از کفر به آیات الهی و از بین بردن آنها و نهادینه ساختن جهان بینی شکل گرفته از تعصبات جهل و نادانی و خود را در حیات فکری آداب و رسوم نیاکان زندانی کردن است. قرآن از واقعیت و حقیقت دروغین «نیاکان گروی متعصبانه و جاهلی» پرده برداشته و خطاب به پیامبر (ص) می فرماید:

فَلَا تَكُفِ فِي مَرِيئِهِ مِمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ
غَيْرَ مُنْفُوصٍ (هود، ۱۰۹)

قرآن تقلید کورکورانه و نیاکان گروی جاهلی را شعبه ای از ولایت شیطان بیان کرده و این دسته از مقلدان را اولیاء شیطان می داند که به طور مستقیم مورد اغوای شیطان قرار گرفته و فواحش آنان در ارتباط با شیطان صورت می گیرد هر چند که آنان با فرافکنی در پی تبرئه خود بوده و با گستاخی تمام فواحش را که به آن خوی و عادت گرفته را متعلق به نیاکان گروی کورکورانه و امر الهی می دانند؛ اَنَا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ اتَّقُوا اللَّهَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (اعراف، ۲۶-۲۷)

قرآن در پاسخ آنها اعتنایی به دلیل اول یعنی پیروی کورکورانه از نیاکان نمی کند و تنها به پاسخ دلیل دوم قناعت کرده، می گوید: إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ خداوند هرگز به کارهای زشت و قبیح فرمان نمی دهد زیرا حکم او از فرمان عقل جدا نیست و در غیر این صورت نسبت دادن نسبتی ناروا به خداوند با دروغ و جهل می باشد و با معیارها و اساس قوانین احکام و قوانین شرعی که عقلایی است (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۹۵) سازگاری ندارد.

عیاشی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که فرمودند: «هر کس گمان کند که خدا بندگان را به کارهای زشت و بد امر می فرماید دروغ بر خدا بسته است و هر کس خیال کند که خیر و شر بدون خواست خدا است خدا را از سلطنت خود خارج نموده و هر که تصور کند که معصیت بجا آورده می شود بدون قدرت و قوه که خداوند به شخص معصیت کار عطا فرموده بر خدا افتراء بسته است و هر که به خدا دروغ بسته و افتراء بزند خداوند او را در آتش جهنم داخل می کند.» (داور پناه، ۱۳۷۵: ۱۳۴) این در حالی است خداوند به شدت از فحشا نهی و امر به عدالت و احسان می کند و هر گونه نسبت ناروایی را بر نمی تابد؛ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (نحل، ۹۰)

اینگونه تعصب، هرگونه نظم اجتماعی بنا شده بر پایه توحید را بر نمی تابد و با تمام اعتقادات، اخلاقیات و احکام آن به مبارزه بر می خیزد و محرک های بازدارنده و اندازدهنده و به عکس محرک های تشویق کننده و مزده دهنده آنان را وادار به رفتار صحیح و مطلوب نمی سازد و عملاً تربیت آنان را ناشدنی می سازد. زیرا این تعصب ناشی از تقلید جاهلان، بر خواسته از تحقیق و برهان نبوده و هیچ رهیافت بینشی و بصیرتی در آن رسوخ پیدا نکرده و برخواسته از شرک و کفر به خداوند می باشد و بر خلاف تمسک جستن به شیوه و روش انبیاء الهی و اجداد گرامیشان می باشد که از هرگونه شرکی منزّه بوده؛ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ (یوسف، ۳۸) شایسته ما نیست که چیزی را شریک خدا کنیم. و دعوت و هدایتگری آنان همه بر مبنای بصیرت و بینش صحیح و آگاهانه می باشد؛ قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (یوسف، ۱۰۸)

پیشینه پژوهش

نظر به این اهمیت، این مقاله تلاش دارد تا با پژوهشی تاریخی در زندگانی عصر پیامبر و آشنا شدن با چرایی و چگونگی ارتباطات میان پیامبر و دوره جاهلیت به رویکردهای هدایتی و تربیتی پیامبر(ص) در گذر از جاهلیت برسد. در خصوص این موضوع تحقیقات مختلفی انجام شده است. سبحانی نژاد و علتین (۱۳۸۷) در مقاله ای با عنوان «تیین نظام مطلوب روابط اجتماعی بر اساس آموزه های تربیتی پیامبر اکرم در نهج الفصاحه» به تبیین نظام مطلوب در حوزه روابط اجتماعی پرداخته است و اصولی را مشخص کرده اند که در حوزه مشترک روابط انسانی مطرح است. جمشیدیها و زائری (۱۳۸۷) در مقاله خود به سیاستگذاری پیامبر در زمینه فرهنگی در جامعه جاهلی آن زمان داشت؛ پرداختند و گفتمان پیامبر را در تصحیح نگاه به زن در حوزه های مختلف بررسی کرده اند.

طیبی (۱۳۸۶) در کتاب خود به با عنوان گونه شناسی رفتار پیامبر با زنان به بررسی رفتارهای پیامبر با زنان پرداخته اند و رفتار پیامبر در سطح جامعه و خانواده را تحلیل نموده اند. اما تاکنون

مقاله مستقلی به بیان رویکردهای هدایتی و تربیتی پیامبر(ص) در گذر از جاهلیت نپرداخته بود. این مقاله رفتار پیامبر را در حوزه اجتماع و در ارتباط با سایر زنان جامعه بررسی می‌کند. مطالعه دقیق تاریخ زندگانی پیامبر در این خصوص ما را در رسیدن به رویکردهای هدایتی و تربیتی در گذر از جاهلیت یاری خواهد کرد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع مطالعات کیفی و توصیفی - تحلیلی است که با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است. روش گردآوری داده‌ها شامل بررسی تفسیری و روایی آیات قرآن کریم، احادیث معتبر نبوی، سیره پیامبر(ص)، منابع تاریخی صدر اسلام و متون تخصصی در حوزه تربیت اسلامی و جامعه‌شناسی دینی بوده است. در تحلیل داده‌ها، از رویکرد تحلیل محتوای کیفی بهره گرفته شده تا با تمرکز بر الگوها، مفاهیم و اصول تربیتی و هدایتی به کاررفته توسط پیامبر اکرم(ص)، ساختار منسجم و نظام‌مند این رویکردها استخراج گردد. در این فرایند، مفاهیم کلیدی همچون توحید، اصلاح اجتماعی، حکمت در دعوت، و مدارا با مخاطب به‌عنوان کدهای اصلی تحلیل مورد استفاده قرار گرفته‌اند. اعتبار یافته‌ها از طریق تطبیق آن‌ها با منابع تفسیری معتبر، گزارش‌های تاریخی متواتر، و منابع تربیت اسلامی معاصر تقویت شده است.

یافته‌های پژوهش

اسلام در مواجهه با احکام و رسوم جاهلی، نه به‌صورت انقلابی دفعی و نه با پذیرش مطلق عمل کرد، بلکه از رویکرد تدریجی، اصلاحی و جایگزینی حکیمانه بهره گرفت. پیامبر اسلام(ص) برای تغییر باورها و قوانین ریشه‌دار اجتماعی و حقوقی، ابتدا زمینه‌سازی فرهنگی و اعتقادی کرد، سپس به تدریج بسیاری از احکام جاهلی را لغو، اصلاح یا جایگزین نمود.

۱. رویکرد نفی و انکار قطعی احکام ضد انسانی جاهلیت

در مواردی که احکام جاهلی با عقل، عدالت، یا کرامت انسانی ناسازگار بود، اسلام به صراحت آن‌ها را نفی کرد. نمونه‌ها: قتل نوزادان دختر: قرآن می‌فرماید: «وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (تکویر: ۸-۹) اسلام با این آیه، قتل نوزادان دختر را که در جامعه جاهلی رواج داشت، محکوم کرد.

ربا خواری آشکار: در حالی که ربا پایه اقتصاد جاهلی بود، اسلام آن را به صراحت حرام و ظلم آشکار دانست: «فَأَذْنُوبًا بَحْرَبٍ مِّنَ اللَّهِ» (بقره: ۲۷۹)

۲. رویکرد اصلاحی و تدریجی در تغییر احکام پرفوژ

در برخی موارد، که حذف فوری ممکن نبود، رویکرد تدریجی به کار رفت: برای مثال در خصوص شراب‌خواری، ابتدا در آیه‌ای صرفاً اشاره شد که در آن ضرر هست (بقره: ۲۱۹)، سپس هنگام نماز منع شد (نساء: ۴۳)، و در نهایت به صورت قطعی حرام گردید (مائده: ۹۰). این تدریج نشان‌دهنده درک روان‌شناختی پیامبر (ص) از عادت‌های اجتماعی بود.

۳. جایگزینی احکام اسلامی به جای رسوم جاهلی

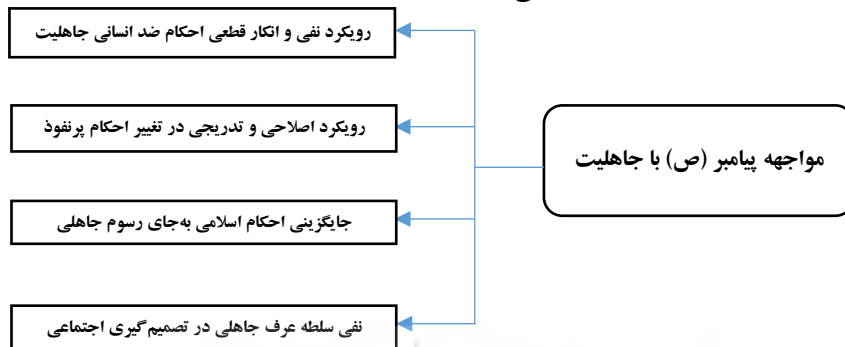
اسلام به جای تخریب بی‌هدف، نظام جایگزین ساخت: نظام قبیله‌ای و خون‌خواهی جاهلی، با احکام قصاص، دیه، و اصل عفو جایگزین شد (بقره: ۱۷۸) ارث فقط برای مردان یا بزرگ‌تر خانواده، با سهم‌بندی عادلانه بین زن و مرد جایگزین شد (نساء: ۷) ازدواج‌های بدون ضابطه، با نظام نکاح اسلامی و شرایط مشخص جایگزین شد (نساء: ۳)

۴. نفی سلطه عرف جاهلی در تصمیم‌گیری اجتماعی

اسلام با آوردن آیات چون: «أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ؟» (مائده: ۵۰) مشخص ساخت که ملاک داوری و قانون‌گذاری، دیگر عرف قبیله‌ای و رسوم جاهلی نیست، بلکه «وحی» و «عقل» باید معیار باشند.

بنابراین مواجهه اسلام با احکام جاهلی، هوشمندانه، مرحله‌به‌مرحله و متکی بر آگاهی از شرایط اجتماعی و روانی مردم بود. پیامبر (ص) به جای شکستن ناگهانی ساختارها، بنیان‌های

فکری مردم را تغییر داد و سپس قوانین را اصلاح یا جایگزین کرد. این مدل اصلاح اجتماعی، امروزه نیز به عنوان الگویی مؤثر در جوامع نیازمند تحول قابل استفاده است.



شکل ۱. رویکردهای مواجهه پیامبر (ص) و دین اسلام با جاهلیت

پیامبر اسلام (ص) برای هدایت و تربیت جامعه جاهلی از مجموعه‌ای از رویکردهای عمیق، مرحله‌ای و حکیمانه بهره گرفت. این رویکردها هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی طراحی شده بودند و توانستند بنیان‌های فکری، اخلاقی و فرهنگی جامعه را از نو بسازند. در ادامه، مهم‌ترین این رویکردها تشریح می‌شود:

۱. توحیدمحوری و اصلاح بنیاد اعتقادی

نخستین و محوری‌ترین رویکرد پیامبر (ص) اصلاح باورهای مردم و هدایت آن‌ها به توحید خالص بود. جامعه جاهلی گرفتار بت‌پرستی، خرافه‌گرایی و چندگانه‌باوری بود. پیامبر با محور قرار دادن «لا اله الا الله» و آیات توحیدی قرآن، به مبارزه‌ای نرم ولی پیوسته با ساختار فکری شرک‌آلود پرداخت. او ایمان را پایه همه اصلاحات اجتماعی و اخلاقی قرار داد.

بنابراین یکی از اساسی‌ترین و بنیادین‌ترین محورهای دعوت پیامبر اسلام (ص)، اصلاح اعتقادی جامعه و بازسازی ساختار فکری مردم بر پایه توحید بود. در فضای پیش از اسلام، جامعه جاهلی عرب به شدت گرفتار شرک، بت‌پرستی، جهل مقدس، و خرافه‌گرایی بود. در چنین بستری، نخستین گام اصلاحی پیامبر (ص)، نفی مظاهر شرک و دعوت به توحید خالص بود؛ به گونه‌ای که شعار محوری دعوت ایشان را «لا اله الا الله» تشکیل می‌داد؛ شعاری که نه تنها

نفی‌کننده الهه‌های قبیله‌ای و بت‌های سنگی بود، بلکه نفی سلطه‌گری، تبعیض، و نظام طبقاتی ناعادلانه نیز در دل آن نهفته بود.

قرآن کریم در همان آغاز دعوت، با تأکید بر وحدانیت خداوند، پیامبر را مأمور می‌کند که بگوید: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» (اخلاص: ۱) و «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (محمد: ۱۹).

این دعوت توحیدی نه فقط جنبه معرفتی داشت، بلکه بنیان تربیتی، اخلاقی و اجتماعی جامعه اسلامی را نیز تشکیل می‌داد؛ زیرا در نظام توحیدی، تنها ملاک برتری، تقواست (حجرات: ۱۳) نه حسب و نسب قبیله‌ای یا ثروت و قدرت.

پیامبر اسلام (ص) با تأکید بر توحید، نظام ارزشی جدیدی را معرفی کرد که در آن عبادت تنها برای خداوند بود، و مسئولیت‌پذیری، عدالت، صداقت، و کرامت انسانی جای خرافات، تعصب کور و خشونت را گرفت (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۵۴). به تدریج، آموزه‌های توحیدی در دل مردم نهادینه شد و موجب شد که مفاهیمی مانند بندگی خالص، توکل، تقوا، و عدالت‌خواهی شکل بگیرد و جامعه به سوی بلوغ معنوی و اخلاقی حرکت کند.

از منظر روان‌شناسی تربیتی نیز، توحید به‌عنوان یک اصل بنیادین، موجب شکل‌گیری «هویت مستقل»، «اعتماد به نفس»، و «آزادی درونی» می‌شود؛ زیرا فرد را از اسارت ظواهر دنیا و ترس از انسان‌های قدرتمند رها می‌سازد (ملک‌زاده، ۱۳۹۶: ص ۷۸). این تحول بنیادین، جامعه عرب را از فروپاشی اخلاقی به مرحله تمدن‌سازی رساند.

۲. دعوت تدریجی و مرحله به مرحله

پیامبر (ص) از روش «تدریج در دعوت» استفاده کرد؛ به طوری که از مرحله دعوت مخفیانه آغاز کرد، سپس به دعوت آشکار، و در ادامه به سازماندهی اجتماعی و تمدنی پرداخت. این رویکرد به مردم امکان می‌داد با آرامش، درک و پذیرش، مسیر تحول را طی کنند، نه با اجبار و خشونت.

یکی از ویژگی‌های ممتاز دعوت پیامبر اسلام (ص) که نقش کلیدی در موفقیت نهضت اسلامی ایفا کرد، تدریجی بودن فرایند هدایت و تربیت بود. پیامبر (ص) به‌خوبی می‌دانست که تغییرات عمیق فرهنگی، اعتقادی و رفتاری، نیازمند صبر، زمان و شناخت دقیق از ظرفیت‌های

جامعه است. بنابراین، به جای مواجهه دفاعی و انقلابی با ساختارهای موجود، دعوت خود را با رویکرد مرحله به مرحله و مبتنی بر آماده سازی فکری و روحی مردم پیش برد. دعوت پیامبر (ص) را می توان به سه مرحله اصلی تقسیم کرد:

۱. مرحله دعوت پنهانی (سه سال نخست در مکه)

در این مرحله، پیامبر (ص) تنها با افراد مستعد و اهل تفکر که از نظر روحی آماده پذیرش حق بودند، مانند حضرت خدیجه (س)، علی (ع)، ابوبکر و زید بن حارثه، تماس برقرار کرد. مرکز فعالیت ایشان در این دوره، خانه «ارقم بن ابی ارقم» بود. تمرکز پیامبر بر آموزش های عمیق اعتقادی و تقویت بنیان های توحیدی بود (ابن هشام، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۲۳۴).

۲. مرحله دعوت آشکار (از سال چهارم بعثت)

با نزول آیه: «فَاَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» (سوره حجر: آیه ۹۴) پیامبر مأمور به اعلام آشکار دعوت شد. او ابتدا در کوه صفا، قریش را مخاطب قرار داد و سپس با آیات الهی، دعوت عمومی را آغاز کرد. اما همچنان اصل تدریج در محتوای آیات و احکام حفظ می شد. به عنوان مثال، نهی از شراب یا ربا به صورت مرحله ای نازل شد و این امر بیانگر فهم عمیق پیامبر (ص) از روان انسان ها و مقاومت های فرهنگی آنان است (مطهری، ۱۳۸۵: ص ۹۱).

۳. مرحله تأسیس حکومت و نهادسازی در مدینه

پس از هجرت به مدینه، پیامبر وارد مرحله ای نو شد که شامل تربیت اجتماعی، تدوین قانون، آموزش سیاسی، و ایجاد ساختارهای اسلامی بود. در این مرحله، اصل تدریج به صورت مدیریت مرحله ای احکام و تثبیت ایمان در دل تازه مسلمانان ادامه یافت. نمونه بارز آن، پذیرش بت پرستان تازه مسلمان شده از طائف و آموزش تدریجی توحید و احکام به آنان بود (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲). از منظر تربیتی، رویکرد تدریجی پیامبر (ص) کاملاً مطابق با اصول روان شناسی یادگیری و رفتار است. تغییر باورها و رفتارهای فرهنگی نیاز به آمادگی ذهنی، تجربه عملی، و تقویت

تدریجی دارد. پیامبر (ص) با شناخت عمیق از روان انسان‌ها، از شتاب‌زدگی در دعوت پرهیز کرد و از روش‌هایی مانند «تقریب»، «تثبیت باور»، و «پذیرش مرحله‌ای مسئولیت» استفاده نمود.

۳. موعظه حسنه، مدارا و گفت‌وگوی اقناعی

از مهم‌ترین روش‌های هدایتی پیامبر، بهره‌گیری از زبان نرم، محبت‌آمیز و اقناعی بود. قرآن بارها به پیامبر فرمان می‌دهد که با مردم «حکمت» و «موعظه حسنه» سخن گوید (نحل: ۱۲۵). او به جای تحقیر مخاطب جاهل، با رأفت و صبوری با او گفت‌وگو می‌کرد تا درک حقیقت برایش آسان‌تر شود.

از ویژگی‌های برجسته رویکرد پیامبر اسلام (ص) در هدایت و تربیت مردم، نرم‌خویی، مدارا و بهره‌گیری از گفت‌وگوی اقناعی به جای تحمیل و اجبار بود. پیامبر (ص) نه تنها در کلام، بلکه در رفتار نیز به گونه‌ای عمل می‌کرد که شنونده در فضایی آرام و انسانی، حقیقت را درک و با اختیار قلبی آن را بپذیرد. این شیوه برآمده از آموزه‌های قرآنی و حکمت الهی بود و آثار تربیتی ژرفی در جامعه جاهلی داشت.

۱. تأکید قرآن بر دعوت با حکمت و موعظه حسنه

خداوند در قرآن به پیامبر (ص) فرمان می‌دهد: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (سوره نحل، آیه ۱۲۵) این آیه سه اصل اساسی در شیوه دعوت اسلامی را بیان می‌کند:

۱) دعوت حکیمانه، ۲) موعظه نیکو، و ۳) مجادله با بهترین شیوه.

این شیوه‌ها به روشنی نشان می‌دهند که پیامبر موظف بود حتی در برابر سرسخت‌ترین مخالفان، با اخلاق و اقناع منطقی وارد تعامل شود، نه با خشونت یا اجبار.

۲. مدارا و مهربانی به‌عنوان اصل در رفتار نبوی

پیامبر (ص) در برابر دشمنی، تمسخر، و سنگ‌اندازی مشرکان، صبوری پیشه می‌کرد. قرآن درباره نرم‌خویی ایشان می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُضِّصُوا مِنْ حَوْلِكَ» (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹)

پیامبر (ص) با خلق نیکو و عطوفت، دل‌های بسیاری را جذب کرد. حتی دشمنانی مانند ابوسفیان، عمرو بن عاص و خالد بن ولید نیز تحت تأثیر رفتار بزرگوارانه او اسلام آوردند. امام صادق (ع) فرمود:

«كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ» یعنی با رفتار خود مردم را دعوت کنید، نه فقط با زبان (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۷۸).

۳. گفت‌وگوی اقناعی و استفاده از عقل و وجدان مخاطب

در بسیاری از موارد، پیامبر (ص) از روش‌های اقناعی و عقل‌محور برای هدایت افراد استفاده می‌کرد. به عنوان مثال، در پاسخ به مردی که از او اجازه زنا خواست، پیامبر با پرسیدن چند سؤال ساده درباره این که آیا راضی است کسی با مادر، خواهر یا دختر او چنین کند، عقل و وجدان او را بیدار ساخت (احمد بن حنبل، ج ۵: ۲۵۶). این شیوه گفت‌وگو، بدون تهدید یا تحقیر، تغییر درونی و حقیقی در فرد ایجاد می‌کرد.

۴. اصلاح ساختارهای اجتماعی و اخلاقی

یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین ابعاد مأموریت پیامبر اسلام (ص) پس از بعثت، اصلاح ساختارهای ناعادلانه و ناسالم اجتماعی و بازسازی نظام اخلاقی جامعه جاهلی بود. این جامعه از بحران‌های متعدد رنج می‌برد؛ از جمله فقر اخلاقی، تبعیض طبقاتی، ظلم به زنان، تعصب قبیله‌ای، و نبود نظم حقوقی مشخص. پیامبر (ص) با بهره‌گیری از روش‌های تدریجی و حکیمانه، بنیان‌های این ساختار پوسیده را تغییر داد و جامعه‌ای مبتنی بر عدالت، کرامت انسانی و اخلاق الهی بنیان نهاد.

۱. مبارزه با تعصب قبیله‌ای و قوم‌گرایی

یکی از ویژگی‌های جامعه جاهلی، سلطه قبیله و نسبت بر همه روابط انسانی بود. ارزش افراد نه بر اساس تقوا، بلکه بر اساس تبار، ثروت و پیوندهای قبیله‌ای سنجیده می‌شد. پیامبر (ص) با نازل شدن آیه: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳)

معیار کرامت را از نژاد و نسب به تقوا تغییر داد. او در خطبه حجةالوداع نیز صریحاً اعلام کرد که هیچ عربی بر عجم، و هیچ سفیدی بر سیاهی برتری ندارد، مگر به تقوا (ابن هشام، ۱۳۸۵: ج ۴، ۲۵۲).

۲. ارتقای جایگاه زن و مقابله با زن‌ستیزی

در جامعه جاهلی، زن صرفاً ابزار لذت یا کالایی برای معامله و وراثت بود. پیامبر (ص) با تأکید بر کرامت انسانی زنان، احیای حق ارث، منع قتل دختران، و سفارش‌های فراوان به خوش‌رفتاری با همسر، جایگاه زن را ارتقا داد. قرآن نیز با تصریح به تساوی ارزش انسانی زن و مرد در آفرینش (نساء: ۱) و پاداش عمل صالح (نحل: ۹۷) به اصلاح این نگرش کمک کرد.

۳. نفی برده‌داری و گام‌به‌گام‌سازی آزادی انسان‌ها

برده‌داری رکن اقتصاد و فرهنگ جاهلی بود. پیامبر اسلام (ص) با برداشتن گام‌هایی چون: توصیه به آزادسازی بردگان به‌عنوان کفاره گناهان (نساء: ۹۲)، تشویق به خوش‌رفتاری با بردگان (توبه: ۶۰)، و آزاد کردن بردگان از اموال شخصی خود، فرهنگ آزادی و کرامت انسانی را در دل مردم نهادینه ساخت (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۲۹).

۴. ترویج اخلاق فردی و اجتماعی متعالی

جامعه جاهلی با صفاتی چون دروغ، فحشا، قمار، شراب‌خواری و بی‌رحمی تعریف می‌شد. پیامبر (ص) با تأکید بر ارزش‌هایی همچون صداقت، امانت‌داری، وفای به عهد، عفو، گذشت و رحم، روح جامعه را دگرگون کرد. قرآن، پیامبر را به‌عنوان الگوی اخلاق معرفی می‌کند: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴). همچنین در احادیث آمده است: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (موطأ مالک، باب حسن الخلق).

۵. ایجاد ساختارهای اجتماعی نوین

در مدینه، پیامبر (ص) با عقد «پیمان برادری» بین مهاجر و انصار، ساختار جدیدی از جامعه‌پذیری اسلامی ایجاد کرد. همچنین با نگارش «میثاق مدینه» که شامل حقوق و وظایف همه گروه‌ها اعم از مسلمانان و یهودیان بود، نخستین قانون اساسی جامعه اسلامی را بنیان گذاشت

(طباطبایی، ۱۳۷۳: ۶۴). ساختار مالی جامعه نیز با ترویج انفاق، خمس، زکات، و ممنوعیت ربا از نو طراحی شد.

اصلاح اجتماعی و اخلاقی پیامبر (ص) نه تنها در سطح فردی مؤثر بود، بلکه منجر به تحول ساختاری در کل جامعه گردید. این اصلاحات، جامعه‌ای مبتنی بر عدالت، عقلانیت و کرامت انسانی بنا نهاد که زمینه‌ساز شکل‌گیری تمدن اسلامی شد.

جمع بندی

سیره پیامبر اسلام (ص) در هدایت و تربیت جامعه جاهلی، نمونه‌ای بی‌نظیر از تحول اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های الهی، عقلانی و انسانی است. بررسی دقیق اقدامات ایشان نشان می‌دهد که فرآیند عبور از جاهلیت به تمدن اسلامی، نه بر پایه زور و اجبار، بلکه بر پایه بینش، اخلاق، صبر و برنامه‌ریزی عمیق صورت گرفت. پیامبر اکرم (ص) به جای مواجهه تند با ساختارهای فاسد جاهلی، ابتدا زیرساخت‌های فکری و اعتقادی را اصلاح کرد و سپس ساختارهای اجتماعی را به تدریج بازسازی نمود.

نخستین و مهم‌ترین گام، توحیدمحوری بود؛ پیامبر با بازگرداندن جامعه به مفهوم «لا اله الا الله»، ارزش‌های توحیدی را جانشین باورهای شرک‌آلود، خرافه‌گرایانه و مادی‌محور جاهلیت کرد. این بازسازی اعتقادی، بستر اصلاح همه‌جانبه دیگر حوزه‌ها شد.

در مرحله دوم، اصل تدریج و نرم‌خویی محور دعوت قرار گرفت. پیامبر اسلام با درک عمیق از روان انسان‌ها، فرآیند هدایت را مرحله‌به‌مرحله و متناسب با ظرفیت فکری و فرهنگی جامعه اجرا کرد؛ از دعوت پنهانی، تا دعوت علنی، و سپس نهادسازی در مدینه.

سوم، پیامبر از روش‌های گفت‌وگوی اقناعی، موعظه نیکو و مدارا بهره گرفت. او از تحقیر، تهدید یا تحمیل پرهیز می‌کرد و به جای آن با استفاده از عقل، وجدان و عشق به حقیقت، دل‌های مخاطبان را به سوی هدایت می‌کشاند.

چهارم، ایشان اصلاحات عمیق اجتماعی و اخلاقی را رقم زد. مبارزه با تبعیض نژادی و قبیله‌ای، ارتقای جایگاه زن، نفی تدریجی برده‌داری، و تغییر ساختارهای حقوقی، از جمله اقدامات ریشه‌ای بودند که نظام ارزشی جامعه را متحول ساختند.

در همه این مراحل، قرآن کریم نه تنها مرجع اصلی، بلکه عنصر مرکزی تربیت و هدایت بود. پیامبر با تمسک به آیات الهی، مفاهیم توحیدی، اخلاقی، تربیتی و حقوقی را در جامعه نهادینه کرد و از آن به‌عنوان برنامه دائمی رشد و هدایت بشر استفاده نمود.

بررسی رویکردهای هدایتی و تربیتی پیامبر اسلام (ص) در گذر از جامعه جاهلی، نشان می‌دهد که اصلاح یک جامعه منحط، متعصب و گرفتار در جهل ساختاری، تنها با بهره‌گیری از روش‌هایی عمیق، تدریجی، اخلاق‌محور و بر پایه توحید امکان‌پذیر است. پیامبر اکرم (ص) در مسیر رسالت خود، نه تنها به مبارزه صرف با نمادهای جاهلیت بسنده نکرد، بلکه با نگاهی حکیمانه، به تربیت انسان‌ها، اصلاح باورها، بازسازی اخلاق اجتماعی، و جایگزینی نهادها و قوانین الهی به جای رسوم غلط و ظالمانه پرداخت.

توحیدمحوری، تدریج در دعوت، موعظه حسنه، الگوسازی شخصیتی، اصلاح نظام‌های قبیله‌ای و طبقاتی، و بهره‌گیری مستمر از قرآن کریم، از جمله راهبردهایی بودند که پیامبر اسلام (ص) در قالب یک برنامه منسجم به کار گرفت و توانست جامعه‌ای نوین، اخلاقی، متحد و عدالت‌محور بنیان نهد.

از سوی دیگر، شیوه مواجهه اسلام با احکام جاهلی نشان داد که تغییر اجتماعی و فرهنگی، زمانی پایدار و موفق خواهد بود که مبتنی بر شناخت دقیق جامعه هدف، صبر راهبردی، گفت‌وگوی اقناعی و ایجاد نظام جایگزین باشد.

در نهایت، می‌توان گفت که مدل تربیتی و هدایتی پیامبر اسلام (ص)، الگویی جامع، پویا و قابل اقتباس برای عصر حاضر است؛ به‌ویژه برای جوامعی که درگیر بحران‌های اخلاقی، فروپاشی ارزش‌ها، یا ساختارهای تبعیض‌آمیز هستند. احیای این سیره در نظام‌های تربیتی معاصر، می‌تواند راهگشای تحول پایدار در حوزه‌های فردی، اجتماعی و تمدنی باشد.

این مقاله نشان داد که مدل اصلاحی پیامبر اسلام (ص)، یک الگوی جامع تربیتی و تمدنی است که همچنان قابلیت بهره‌برداری در جوامع امروزی را دارد. در دورانی که جهان با بحران معنا، فروپاشی اخلاق، نابرابری و خشونت فرهنگی روبه‌روست، بازگشت به روش پیامبر (ص) در هدایت انسان‌ها، می‌تواند الهام‌بخش مصلحان، مرییان، و اندیشمندان برای طراحی نظام‌های تربیتی عادلانه، انسانی و پایدار باشد.

فهرست منابع

- The Holy Quran. (In Persian)
- Darparnah, Abulfazl (1375). Anwar al-Irfan in Tafsir al-Qur'an, vol. 14, Tehran: Sadr Publications. (In Persian)
- Document on the Fundamental Transformation of Education (2019), Tehran: Supreme Council of Cultural Revolution. (In Persian)
- Ibn Hanbal, Ahmad ibn Muhammad (b.a.). Musnad Ahmad. Vol. 6, Beirut: Dar Sadr. (In Persian)
- Ibn Hisham, Abdul Malik (2006). The Biography of the Prophet. Translated by Hashemzadeh Harisi, Vol. 1, Qom: Hijrat Publications. (In Persian)
- Imam Ali. Nahjul-Balagha. Translated by Mohammad Dashti (1379). Qom: Al-Hadi Publishing House. (In Persian)
- Izutsu, Toshihiko (2009). Ethical and religious concepts in the Quran, translated by Fereydoun Badrei, Tehran: Forozan Rooz Publishing and Research. (In Persian)
- Jamshidiha, Gholam Reza; Zaeri, Qasem (2008). The Prophet's (PBUH) Cultural Policy and Its Impact on the Cultural-Social Status of Women in the Pre-Islamic World. Journal of Women in Development and Politics. Vol. 23. pp. 5-38. (In Persian)
- Javadi Amoli, Abdullah (1377). Woman in the Mirror of Glory and Beauty. Qom: Israa Publishing House. (In Persian)
- Javadi Amoli, Abdullah (1378). Interpretation of Man to Man, Qom: Israa Publications. (In Persian)
- Kalini, Muhammad bin Yaqub bin Ishaq (1407). Al-Kafi, 4th edition, vol.1 and 2, Tehran: Dar al-Kutub al-Islami. (In Persian)
- Makarem Shirazi, Nasser (1374). Tafsir al-Nashon, vol.6,7,18,24, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. (In Persian)
- Makarem Shirazi, Nasser (2012) The Place of Rationality in Islam, Qom: Imam Ali ibn Abi Talib Publications. (In Persian)
- Motahari, Morteza (2005). Education and Training in Islam, Tehran: Sadra. (In Persian)
- Nasr, Ahmad Reza et al. (2004). Quantitative and qualitative research methods in educational sciences and psychology. Volume 2, Tehran: Samt. (In Persian)
- Poursobhani-Nejad, Mehdi; Hamid, Aliyin (2007). Explaining the desirable system of social relations based on the educational teachings of the Prophet Muhammad in Nahj al-Fasaha. Mesbah Humanities Journal. No. 71. pp. 43-72. (In Persian)
- Raghib al-Isfahani, Hussein (1404 AH). Mufradat al-Alfaz al-Quran al-Karim, research on the texts of Dawoodi Irfan, Beirut: Dar al-Ilm. (In Persian)
- Sobhani, Jafar (2008). The Light of Eternity: A Complete Analysis of the Life of the Holy Prophet. Qom: Bostan Ketab. (In Persian)

Tabatabaei, Sayyid Muhammad Hussein (1417). Al-Mizan in the Interpretation of the Qur'an, vol. 30, Qom, Islamic Publications Office of the Society of Teachers of the Seminary. (In Persian)

Tayyibi, Nahid (2007). Typology of the Prophet's behavior towards women. Qom: Taha Book. (In Persian)

